



شعله جاوید

ارگان مرکزی

حزب کمونیست (مائونیست)

افغانستان

جریده شعله جاوید ارگان مرکزی
کمیته مرکزی حزب کمونیست
(مائونیست) افغانستان است که عمدتاً
در خدمت تدارک، برپایی و پیشبرد
جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی
(شکل مشخص کنونی جنگ خلق)
قرار دارد. (اساسنامه حزب)

شماره دوم دوره سوم جوزای 1383 (جون 2004)

مرا م نشراتی

در ماده بیست و دوم اساسنامه حزب کمونیست (مائونیست) افغانستان قید گردیده است که: "جریده شعله جاوید، ارگان مرکزی کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائونیست) افغانستان است که عمدتاً در خدمت تدارک، برپایی و پیشبرد جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی (شکل مشخص کنونی جنگ خلق) قرار دارد." بقیه در صفحه (2)

برنامه و اساسنامه حزب کمونیست (مائونیست) افغانستان صفحه (8)

در تجلیل اول می_ اعلام وحدت نیروهای م ل م افغانستان... صفحه (5)

جلسات عمومی واحد های تشکیلاتی حزب صفحه (10)

حزب سازان فریبکار و اغواگر صفحه (16)

اختطاف گسترده اطفال دستاورد امنیتی اشغالگران صفحه (21)

بقیه از صفحه اول

مرام نشراتی

با انتشار جریده شعله جاوید بمثابة ارگان مرکزی حزب کمونیست (مائونیست) افغانستان، این جریده وارد سومین دوره نشراتی خود گردیده است.

شعله جاوید، تقریباً سی و شش سال قبل از امروز (در سال ۱۳۴۷)، دوره اول نشراتی خود را به عنوان یک نشریه ملی - دموکراتیک و به بیان بهتر به عنوان یک نشریه دموکراتیک نوین آغاز نمود. این دوره نشراتی صرفاً تا شماره یازدهم جریده دوام یافت. اما انتشار همین تعداد شماره های آن نیز توانست نقش جدی و مهمی در شکلهی و گسترش جنبش انقلابی کشور بازی نماید. بی جهت نبود که نام "شعله جاوید" معرف جنبش ما شد و همچون سرلوحه جریان دموکراتیک نوین تثبیت گردید.

به یقین در شرایط سال ۱۳۴۷ که از یکجانب جنبش ما تازه در حال شکلگیری بود و از جانب دیگر جوشش خروشان انقلاب فرهنگی کبیر پرولتاریایی در چین و مبارزات آزادیبخش ملی در سه قاره، تأثیرات پر قدرتی بر جنبش انقلابی افغانستان اعمال می نمود، آنچه در قدم اول برای ادبیات انقلابی کشور ضرورت داشت، انتشار جریده ای بود که "زبان بی قید و بند انقلاب" باشد. انتشار چنین جریده ای در نشست عمومی دوم سازمان جوانان مترقی در سال ۱۳۴۶ مورد تصویب قرار گرفته بود. اما متأسفانه این سازمان نتوانست برای انتشار چنین جریده ای - که فقط می توانست یک جریده کمونیستی مخفی باشد - اقدام عملی موفقانه ای به عمل آورد. این کمبود، تأثیرات منفی عمیقی بر جنبش کمونیستی (مائونیستی) افغانستان بر جا نهاد.

جریده شعله جاوید در دوره اول نشراتی خود یک هفته نامه علنی و ناشر اندیشه های دموکراتیک نوین بود و نمی توانست در اساس وظایف یک نشریه کمونیستی را بر عهده بگیرد. تا جایکه مربوط به نقش این جریده در سطح فعالیت های علنی و ملی - دموکراتیک "جریان دموکراتیک نوین" بود، شعله جاوید نه تنها موفقیت های بزرگ داشت بلکه تأثیرات عمیق و دیر پای نیز بر جا گذاشت. ولی تا جایکه در ظرفیت زبان "آزویی" این جریده می گنجید، از به عهده گرفتن نشر مباحث کمونیستی، به ویژه در مبارزه علیه طرح های رویزیونیستی باند های خلق و پرچم و سوسیال امپریالیزم شوروی نیز ابا نورزید.

البته روشن است که شعله جاوید دوره اول، به عنوان نشریه متعلق به یک جریان سیاسی تازه و جدیدالولاده و تحت رهبری یک سازمان نو بنیاد، نمی توانست دارای نواقص و کمبودات و حتی انحرافات جدی تیوریک نباشد. اما در هر حال نقش مثبت و سازنده شعله جاوید دوره اول در پرورش و اعتلای جنبش انقلابی و جنبش کمونیستی (مائونیستی) کشور، از عمدگی برجسته ای برخوردار بود و کمبودات و نواقص و انحرافات تیوریک آن نقش تابع و درجه دوم داشت. جریده شعله جاوید در دوره دوم نشراتی خود به مثابه ارگان مرکزی "حزب کمونیست افغانستان" انتشار یافت و یک نشریه کمونیستی مخفی و "

زبان بی قید و بند انقلاب " بود . اولین شماره دوره دوم نشراتی این جریده در ماه میزان 1370 (اکتوبر 1991) انتشار یافت و شماره بیست و نهم (آخرین شماره) این دوره نشراتی در ماه سرطان 1382 (جولای 2003) . در این دوره نشراتی ، جریده شعله جاوید عملاً یک نشریه غیر موقوته بود و نه تنها بصورت یک هفته نامه یا ماهنامه بلکه حتی بصورت یک فصلنامه نیز نتوانست در آید . اما تداوم نشراتی آن حفظ گردید و این امر برای جنبش کمونیستی (مائوئیستی) افغانستان که انقطاع پیهم نشراتی در آن به یک سنت متداول و معمول مبدل گردیده بود ، نقش مثبت و سازنده ای در بر داشت .

نقش ایدیولوژیک _ سیاسی و تشکیلاتی جریده شعله جاوید در دوره دوم نشراتی اش ، رویهمرفته بصورت عمده مثبت و اصولی بود ، گرچه با کمبودات ، اشتباهات ، نواقص و حتی انحرافات رقم می خورد .

کنگره وحدت جنبش کمونیستی (مارکسیستی _ لنینیستی _ مائوئیستی) افغانستان ، در تداوم دوره اول و دوره دوم نشراتی جریده شعله جاوید ، اسم این نشریه را برای ارگان مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان برگزید و این تصویب را در اساسنامه حزب قید نمود . دلیل این انتخاب کاملاً روشن است . شعله جاوید اسم آشنا و معروف هویت ایدیولوژیک _ سیاسی و تشکیلاتی مائوئیستی در افغانستان است . جنبش مائوئیستی افغانستان با نام شعله جاوید پیوند محکمی دارد و این نام سال های سال همچنان سرلوحه موجودیت و فعالیت مبارزاتی مائوئیستی در این کشور خواهد بود .

درینجا یکبار دیگر آن قسمت از ماده بیست و دوم اساسنامه حزب که به این موضوع مربوط است ، ذکر می گردد :

" جریده شعله جاوید ارگان مرکزی کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان است که عمدتاً در خدمت تدارک ، برپایی و پیشبرد جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی (شکل مشخص کنونی جنگ خلق) قرار دارد . "

این جمله ، سر از همین شماره جاری شعله جاوید ، در سر لوحه تمامی شماره های دوره سوم نشراتی جریده درج می گردد تا عمدگی و اهمیت درجه اول این وظیفه مداوماً در سرلوحه وظایف مبارزاتی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان ، مطرح گردد .

تعیین این وظیفه عمده مبارزاتی نشراتی برای شعله جاوید مبتنی بر شرایط عینی جامعه افغانستان بمثابه یک جامعه مستعمراتی _ نیمه فیودالی است ، یعنی جامعه ای که تحت اشغال قوت های متجاوز امپریالیستی به سرمداری امپریالیست های امریکایی قرار داشته و مناسبات تولیدی نیمه فیودالی بر آن حاکم است .

کاملاً روشن است که صحبت از وظیفه عمده نشراتی شعله جاوید هرگز به این مفهوم نیست که وظایف مبارزاتی نشراتی این جریده در سایر عرصه های مبارزاتی به فراموشی سپرده شود . پیشبرد این وظایف مبارزاتی نشراتی نیز مبتنی بر شرایط عینی جامعه افغانستان است .

در شرایطی که امپریالیست های اشغالگر به سردمداری امپریالیست های امریکایی افغانستان را تحت اشغال قرار داده و رژیم دست نشانده شان را در این کشور شکل داده و برای استقرار آن تلاش می نمایند، مبارزه علیه امپریالیست های اشغالگر و خائنین ملی دست نشانده شان وظیفه عمده مبارزاتی را تشکیل می دهد. اما مبارزه در سایر عرصه های بزرگ و مهم جامعه نیز ادامه می یابد، زیرا که علیرغم عمده بودن تضاد ملی با امپریالیست های اشغالگر و خائنین ملی، سایر تضاد های بزرگ و مهم جامعه نیز در هر حال بزرگی و اهمیت شان را حفظ کرده و تاثیرات شان را بر روند تحولات جامعه بر جای می گزارند و متقابلاً بر تضاد عمده موثر واقع می شوند.

این وظایف مبارزاتی نشراتی که بلافاصله بعد از وظیفه مبارزاتی عمده، وظایف مبارزاتی بزرگ شعله جاوید را تشکیل می دهند عبارت اند از: مبارزه علیه طبقات ارتجاعی استثمارگر فیودال و بورژواکپرادور و مبارزه علیه تضاد ها و تخصصات ذات البینی نیروهای ارتجاعی و امپریالیست های حامی شان و افشای هر چه صریح تر و روشن تر نقش این کشمکش ها در ضدیت با منافع کشور و مردمان کشور. یقیناً این وظایف مبارزاتی تابع وظیفه عمده مبارزاتی بوده و در خدمت به آن پیش برده می شوند.

همچنان در پیوند با وظیفه عمده مبارزاتی و سایر وظایف مبارزاتی بزرگ، جریده شعله جاوید دو وظیفه مبارزاتی مهم یعنی مبارزه علیه شوونیسم ملی و شوونیسم جنسی را نیز نمی تواند به فراموشی بسپارد. این وظایف مبارزاتی نیز تابع وظیفه مبارزاتی عمده بوده و در خدمت آن قرار دارد.

شعله جاوید بمثابة ارگان مرکزی حزب کمونیست (مائونیست) افغانستان، مبلغ و مروج خط برنامه و اساسنامه حزب است. این جریده مدافع هویت پرولتری حزب کمونیست (مائونیست) افغانستان، مبلغ و مروج مارکسیزم - لنینیسم - مائونیسم و افشاکننده چهره های گوناگون رویونیسم، مدافع انقلاب دموکراتیک نوین، انقلاب سوسیالیستی و حرکت به سوی جامعه بی طبقه کمونیستی از طریق ادامه انقلاب تحت دیکتاتوری پرولتاریا یعنی برپایی انقلابات فرهنگی متعدد و پیشبرد انقلاب پرولتری در سطح جهانی و مدافع پیگیر جنگ خلق و در شرایط مشخص کنونی جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی، به عنوان وظیفه عمده مبارزاتی اش، است.

شعله جاوید، ارگان مرکزی حزب کمونیست (مائونیست) افغانستان بمثابة یکی از اعضای جنبش انقلابی انترناسیونالیستی است. از این جهت این جریده تبلیغ و ترویج برای جنبش انقلابی انترناسیونالیستی و اعضای آنرا یکی از وظایف نشراتی بسیار جدی خود تلقی می نماید و سعی به عمل می آورد که پیشروی های کل جنبش و یکایک مشمولین آنرا در صفحات خود منعکس نماید.

جریده شعله جاوید منطبق با مشی توده یی حزب کمونیست (مائونیست) افغانستان، حد اکثر کوشش خواهد کرد که مطالبش را بصورت ساده و به اصطلاح عام فهم بیان و توضیح نماید، بدون اینکه تحت نام زبان توده یی سطح علمی مندرجاتش را تنزل دهد.

استثمار و ستم است. این مبارزه بیشتر از صد و پنجاه سال است که با فراز و نشیب ها و فرود و فراز های خود ادامه یافته و با پیشروی ها و موفقیت های عظیم و افتخار آمیز و عقب نشینی ها و شکست های بزرگ رقم خورده است. ما با افتخار و سر بلندی در این جشن تعهد سپاری پرولتري و انقلابي یکجا با همسنگران انقلابي پرولتري مان در جنبش انقلابي انترناسیونالیستی و سایر رفقا و دوستان شرکت می نماییم.

ما در اول می امسال، بیستمین سالگرد تشکیل جنبش انقلابي انترناسیونالیستی را جشن می گیریم. جنبش ما در طی بیست سال گذشته در مسیر مبارزاتی انقلابي پرولتري پیشروی کرده و بیشتر از پیش قوام و پختگی حاصل نموده است. جنبش انقلابي انترناسیونالیستی، مارکسیزم – لنینیسم – مائوئیسم را به مثابه سومین مرحله در تکامل ابدیولوژی پرولتري به رسمیت شناخته و به تشکیل احزاب مارکسیست – لنینیست – مائوئیست تازه در کشور های مختلف و تحکیم و ارتقای احزاب قبلا موجود یاری رسانده است. اینک یکی از اعضای جنبش انقلابي انترناسیونالیستی، حزب کمونیست نیپال (مائوئیست)، که با رهبری انقلابي اصولی و موفقانه چندین ساله جنگ خلق، هم اکنون قسمت اعظم سرزمین و نفوس نیپال را از سلطه ارتجاع و امپریالیسم آزاد ساخته است، در آستانه عبور از مرحله تعادل استراتژیک جنگ خلق و داخل شدن به مرحله تعرض استراتژیک در جنگ برای تصرف قدرت سیاسی سرتاسری در نیپال قرار دارد. امید داریم پیروزی سرتاسری انقلاب دموکراتیک نوین در نیپال را هرچه زودتر جشن بگیریم.

برای مائوئیست های افغانستان و یقینا برای کل جنبش انقلابي انترناسیونالیستی، جشن اول می امسال یک مناسب و ویژه دارد. پروسه وحدت جنبش کمونیستی (مارکسیستی – لنینیستی – مائوئیستی) افغانستان، امروز پیروزمندانه به فرجام رسید و وحدت نیروهای مختلف مارکسیست – لنینیست – مائوئیست شامل در این پروسه در یک حزب کمونیست واحد تأمین گردید.

با سرافرازی و افتخار اعلام می نماییم که کنگره وحدت جنبش کمونیستی (مارکسیستی – لنینیستی – مائوئیستی) افغانستان، متشکل از نمایندگان حزب کمونیست افغانستان، سازمان پیکار برای نجات افغانستان و اتحاد انقلابي کارگران افغانستان، موفقانه پایان یافت و این نیروها بر مبنای تصویب برنامه و اساسنامه حزبی واحد در کنگره، در چوکات «حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان» به وحدت رسیدند. این موفقیت برجسته مبارزاتی را به تمامی رفقای حزب، کل جنبش مارکسیستی – لنینیستی – مائوئیستی افغانستان و همسنگران بین المللی مان در جنبش انقلابي انترناسیونالیستی، به ویژه کمیته جنبش انقلابي انترناسیونالیستی که در جریان پیشرفت های پروسه وحدت و به فرجام رسیدن ظفرمندان آن پیوسته مشوق و رهنمای ما بوده است، تبریک و تهنیت می گوئیم. یقین کامل داریم که کسب این موفقیت بزرگ مبارزاتی یک پیشروی مهم در مسیر تدارک برای برپایی جنگ خلق در افغانستان، که شکل مشخص کنونی آن جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابي علیه متجاوزین و اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی دست نشانده شان است، محسوب می گردد. ما با عزم متین در این مسیر مبارزاتی، که جزء جدایی ناپذیری از مبارزات رو به اعتلا و گسترش پرولتاریا و خلق های جهان است، به پیش می رویم تا

هرچه زود تر درفش جنگ انقلابی در میدان کارزار افغانستان آشکارا بر افراشته شود و اشغالگران امپریالیست و مزدوران شان را در میدان نبرد به مصاف بطلبند .
 نظام استعمارگرانه و ستمگرانه امپریالیستی حاکم بر جهان کنونی ، پیوسته امواج مبارزه و مقاومت پرولتاریا و خلق های جهان علیه خود را بر می انگیزاند . این نظام گورکنان خود را در درون خود می پروراند تا آنرا به گورستان تاریخ بسپارند و بجای آن جهان نوین فارغ از استثمار و ستم بنا کنند .

امپریالیست های غربی ، در راس امپریالیزم امریکا ، کوشیدند تا از شکست کمونیزم دروغین « شوروی » مجوزی برای سلطه بی چون و چرای شان بر جهان بسازند . اما تلاش های جابرانه آنها از سوی پرولتاریا و خلقهای جهان ، منجمله در خود کشور های امپریالیستی ، به مصاف طلبیده شده است .

امروز در درون کشور های امپریالیستی ، دو جنبش مبارزاتی توده بی وسیع و پردامنه علیه امپریالیست ها وجود دارد : یکی جنبش مبارزاتی توده بی علیه « گلوبالزیسیون » سرمایه داری امپریالیستی و دیگری جنبش مبارزاتی توده بی علیه جنگ افروزی ها و تجاوزگری های امپریالیست ها به ویژه امپریالیست های امریکایی . هر یکی از این جنبش ها ضربات کاری ای بر امپریالیست ها وارد کرده و از پتانسیل عظیمی برای مبدل شدن به یک حرکت مبارزاتی پرولتاریایی کاملاً آگاهانه برخوردار است . پیدایش ، دوام و اعتلای این جنبش ها تاثیرات مهمی در جهت تقویت ، گسترش و ارتقای مقاومت توده ها علیه تجاوزات و اشغالگری های امپریالیست ها و تشدید تضاد میان آنها داشته است .

کارزار تجاوزگرانه و اشغالگرانه امپریالیست های امریکایی و متحدین شان علیه پرولتاریا و خلق های جهان ، امواج مقاومت توده ها علیه خود را به وجود آورده و پرورانده است . در عراق کار به جایی رسیده است که لاشخوران کوچک از میدان معرکه پا پس می کشند . آنها که در پناه لاشخوار بزرگ امریکایی به آنجا آمده اند اکنون می بینند که به جایی لاش بیجان با چنگال ها و منقار خطرناک عقاب مقاوم سرو کار دارند . پس یکی بعد از دیگری از عراق می گریزند و یانکی ها را تنها می گزارند . این حالت به نوبه خود مبارزات توده بی در کشور های امپریالیستی را تقویت می بخشد و تضاد میان امپریالیست ها را تشدید می نماید .

افغانستان کنونی یکی از مراکز گرد باد شوم تهاجم و اشغالگری امپریالیست های امریکایی و متحدین شان است . آنها که کشور را اشغال کرده و یک رژیم دست نشانده و پوشالی ارتجاعی را در آن سرپا نگه داشته اند ، انتظار داشتند که درینجا نظم دلخواه نمونه وار شان را به وجود آورند ، آنچنانکه سرمشقی برای سایر خلق ها و ملل تحت ستم در جهان گردد و هیچ خلق و ملتی از اطاعت آنها سر بر نتابد . اما این « آب » به آسانی از گلوی شان پایین نرفته و نخواهد رفت . آنها به معنی واقعی کلمه در افغانستان گیر مانده اند و ناکامی های شان روز افزون است . مقاومت علیه قوت های اشغالگر ادامه دارد ، رژیم دست نشانده چند پارچه و مستاصل است ، برنامه بازسازی شکست خورده و ناکام است و اکثریت توده ها از اوضاع ناراضی هستند

حزب کمونیست (مائونیست) افغانستان وظیفه دارد که حقیقت عام مارکسیزم – لنینیزم – مائونیزم را در شرایط خاص افغانستان تطبیق نماید . در شرایط فعلی , این تطبیق بصورت عمده عبارت است از تطبیق مارکسیزم – لنینیزم – مائونیزم با شرایط خاص مقاومت علیه اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی دست نشانده شان . بدین سان وظیفه عمده حزب کمونیست (مائونیست) افغانستان در شرایط فعلی عبارت است از تدارك برای برپایی و پیشبرد جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و دست نشانندگان شان به مثابه شکل مشخص کنونی جنگ خلق . یکبار دیگر در این روز بین المللی کارگران جهان عهد می بندیم که با تمام توان و قوت مان و تا به آخر در این مسیر مبارزاتی پر شکوه و با عظمت به پیش رویم .

زنده باد روز بین المللی کارگران جهان !

مرگ بر امپریالیزم ! مرگ بر ارتجاع !

زنده باد انقلاب ! زنده باد کمونیزم !

زنده باد جنبش انقلابی انترناسیونالیستی !

مرگ بر امپریالیست های اشغالگر و دست نشانندگان شان !

زنده باد حزب کمونیست (مائونیست) افغانستان !

به پیش در راه برپایی و پیشبرد جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی !

« حزب کمونیست (مائونیست) افغانستان »

اول می (1383 _ 2004)

=====

=====

برنامه و اساسنامه حزب کمونیست (مائونیست) افغانستان

برنامه و اساسنامه حزب کمونیست (مائونیست) افغانستان , مصوب کنگره وحدت جنبش کمونیستی (مارکسیستی _ لنینیستی _ مائونیستی) افغانستان , منتشر شد .
برنامه و اساسنامه حزب کمونیست (مائونیست) افغانستان محصولی از مبارزات طولانی جنبش کمونیستی بین المللی و ثمره بزرگ مبارزات جنبش کمونیستی کشور و دستاورد جانفشانی های شهدای این جنبش است . در شرایطی که امپریالیست ها گرد باد شوم تهاجم و تجاوز علیه خلق ها و پرولتاریای جهان به راه

انداخته و افغانستان را به یکی از مراکز این گرد باد تبدیل کرده اند، آغاز و پیشرفت پروسه وحدت جنبش کمونیستی مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی افغانستان، تدویر کنگره وحدت و تأمین وحدت این جنبش در یک حزب کمونیست واحد، که برنامه و اساسنامه حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان تیلور برجسته آن است، یک ضد حمله کمونیستی اصولی شجاعانه و مناسب به شمار می رود.

اینک به روشنی پیدا است که شعله ی بر افروخته شده توسط پیشروان ما و در پیشاپیش آنها رفیق شهید اکرم یاری، نه تنها در زیر "خاکستر جاوید" مدفون نگردیده است، بلکه با گذار از پیچ و خم های فراوان، علیرغم تحمل بزدلی ها، انحرافات، خیانت ها و ارتداد بسیاری از رفقای نیمه راه و دشمن شاد و وارد آمدن صدمات و ضربات بیشماری بر پیکر آن، فروزان تر از پیش بر افروخته و مشتعل است و می رود تا بر خرمن هستی دشمنان آتش افکند، آتش بزرگ، آتش عظیم.

برنامه و اساسنامه حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، درفش مستقل پرولتاریای جهانی در سنگر مبارزات ملی و طبقاتی کشور در خون خفته ما و یگانه درفش تا به آخر انقلابی در افغانستان است. کمونیست های انقلابی در کشور فقط و فقط با رزمیدن زیر این درفش سترگ است که می توانند وظایف و مسئولیت های شان را در قبال انقلاب جهانی و انقلاب افغانستان به نحو اصولی و شایسته ادا نمایند.

" برنامه حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان "

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، حزب سیاسی پرولتاریا و پیشاهنگ پرولتاریا در کشور است. برنامه حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان که بیان مرام های پرولتاریای بین المللی و مرام های پرولتاریای افغانستان بمثابه بخشی از پرولتاریای جهانی است و اساس موجودیت و پایه وحدت حزب را می سازد، ایدیولوژی راهنمای اندیشه و عمل، برنامه سیاسی و مشی استراتژیک مبارزاتی آنرا در بر میگیرد.

ایدیولوژی راهنمای اندیشه و عمل حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم است که ایدیولوژی و علم انقلاب پرولتاریای جهانی و یگانه ایدیولوژی انقلابی، علمی و رهائیبخش در جهان می باشد. مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم اساس ایدیولوژیک برنامه سیاسی و مشی استراتژیک مبارزاتی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را می سازد.

برنامه حد اقل و حد اکثر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان عبارت است از انجام انقلاب دموکراتیک نوین و استقرار دیکتاتور دموکراتیک خلق، گذار به انقلاب سوسیالیستی در کشور و ادامه انقلاب تحت دیکتاتور پرولتاریا از طریق برپایی و پیشبرد انقلابات فرهنگی متعدد و پیشروی بسوی ایجاد جامعه کمونیستی جهانی.

در شرایط فعلی دفع تجاوز امپریالیستی به سرکردگی امپریالیست های امریکایی و سرنگونی رژیم دست نشانده وظیفه عمده انقلاب دموکراتیک نوین را تشکیل می دهد.

مشی استراتژیک مبارزاتی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان برای دفع تجاوز و قطع سلطه امپریالیست ها از کشور و سرنگونی دولت ارتجاعی، بر پایي و پیشبرد جنگ خلق است. جنگ خلق، جنگ توده های مردم، عمدتاً دهقانان تحت رهبری طبقه کارگر از طریق حزب پیشاهنگ پرولتری است. جنگ خلق، جنگ طولانی و متکی بر ایجاد، تحکیم و گسترش مناطق پایگاهی انقلابی است. این جنگ از راه محاصره شهرها از طریق دهات و تصرف شهرها، بطرف پیروزی سرتاسری پیش می رود.

در شرایط کنونی، بر پایي و پیشبرد جنگ مقاومت ملی انقلابی و مردمی، شکل مشخص بر پایي و پیشبرد جنگ خلق را می سازد.

" اساسنامه حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان "

اساسنامه حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در برگیرنده برنامه عمومی و آئین نامه تشکیلاتی حزب است. برنامه عمومی که فشرده برنامه حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان است، نکات اساسی خصلت طبقاتی حزب، ایدیولوژی رهبری حزب، انترناسیونالیسم پرولتری، برنامه سیاسی حزب، مهم ترین اهداف انقلاب دموکراتیک نوین و استراتژی مبارزاتی حزب را بیان مینماید. آئین نامه تشکیلاتی، اصول تشکیلاتی، ساختمان تشکیلات، ارگان مرکزی و نشریه درونی مرکزی، درفش، مسایل مربوط به عضویت و اقدامات انضباطی حزب را معرفی و توضیح می کند.

برنامه و اساسنامه حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را بخوانید و در میان مردم پخش نمایید!

|||||

جلسات عمومی واحد های تشکیلاتی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

در ماده هفدهم اساسنامه حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان گفته می شود: " جلسه عمومی منظوقی بعد ازکنگره سراسری فرا خوانده می شود تا منطبق با فیصله ها و رهنمود های کنگره: " الف: رهنمود های مهم جهت رهبری فعالیت های حزب در منطقه و محلات مربوطه را تعیین و تصویب نماید. "

ب : کمیته منطوقی را انتخاب کند . این کمیته در میان دو جلسه عمومی منطوقی فعالیت های حزب در منطقه را تحت رهبری کمیته مرکزی ، هدایت می نماید . منشی کمیته منطوقی توسط کمیته منطوقی تعیین می گردد .

ج : فیصله ها و رهنمود های جلسه عمومی منطوقی بعد از تائید کمیته مرکزی رسمیت می یابد .

منطبق با این حکم اساسنامه حزب ، بعد از تدویر کنگره وحدت جنبش کمونیستی (مارکسیستی _ لنینیستی _ مائوئیستی) افغانستان و تامین وحدت این جنبش در حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان ، تا حال جلسات عمومی چهار واحد تشکیلاتی حزب موقفانه برگزار گردیده اند که عبارت اند از :

- 1 _ جلسه عمومی واحد تشکیلاتی شماره 13
- 2 _ جلسه عمومی واحد تشکیلاتی شماره 15
- 3 _ جلسه عمومی واحد تشکیلاتی شماره 31
- 4 _ جلسه عمومی واحد تشکیلاتی شماره 10

جلسه عمومی واحد تشکیلاتی شماره 13

جلسه عمومی واحد تشکیلاتی شماره 13 چند روز بعد از اختتام موفقیت آمیز کنگره وحدت جنبش کمونیستی (مارکسیستی _ لنینیستی _ مائوئیستی) افغانستان ، دائر گردید .

در آغاز جلسه ، ارگان مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان (شعله جاوید) شماره ویژه کنگره وحدت جنبش کمونیستی (مارکسیستی _ لنینیستی _ مائوئیستی) افغانستان میان رفقای شرکت کننده در جلسه توزیع شد که با احساسات و شور و شوق زاید الوصف انقلابی رفقا بدرقه گردید . رفقای شرکت کننده در جلسه هر کدام به نوبت با جملات مختصر ، تدویر کنگره وحدت جنبش کمونیستی (مارکسیستی _ لنینیستی _ مائوئیستی) افغانستان ، ایجاد حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان و انتشار ارگان مرکزی حزب را ، به کمیته مرکزی ، رفقای شامل در جلسه و تمامی رفقای حزب تبریک و تهنیت گفتند .

جلسه روی یک اجندای سه نکته ای بحث های خود را پیش برد :

نخستین موضوعی که در جلسه به بحث گرفته شد ، قطعنامه کنگره وحدت جنبش کمونیستی (مارکسیستی _ لنینیستی _ مائوئیستی) افغانستان بود . قطعنامه توسط یکی از رفقا به خوانش گرفته شد و توسط سائر رفقا با کف زدن های ممتد بدرقه گردید . متن قطعنامه به اتفاق آرای رفقای شامل در جلسه مورد تائید قاطع و پشتیبانی همه جانبه قرار گرفت . رفقا اعلام کردند که در تحقق فیصله های قطعنامه از هیچگونه تلاش و جانبازی دریغ نخواهند کرد .

دومین موضوع مورد بحث جلسه، مکث روی وظیفه عمده مبارزاتی کنونی بود که قبلاً توسط رهبری حزب تعیین و تصویب گردیده بود. رفقا با احساس مسئولیت حزبی نظرات و پیشنهاداتشان را در این زمینه ارائه کرده و مباحثی را در یک فضای رفیقانه مطرح نمودند. عمدتاً دو موضوع به بحث گرفته شد: نخست استحکام ایدئولوژیک _ سیاسی و تشکیلاتی حزب و در قدم بعدی گسترش حزب. بعد از جمع‌بندی نظرات و پیشنهادات رفقا، منطبق با فیصله قبلی رهبری حزب، استحکام ایدئولوژیک _ سیاسی و تشکیلاتی حزب بمثابه وظیفه مبارزاتی عمده کوتاه مدت کنونی، تصویب و تأیید گردید. البته گسترش حزب نیز بمثابه یک موضوع مهم مطرح گردید و بمنظور بر آورده ساختن این مامول، استحکام حزب به عنوان زمینه مساعد برای یک جهش بعدی در جهت گسترش حزب مورد تأکید قرار گرفت. منطبق با این فیصله عمومی، رهنمودهای معینی در رابطه با فعالیت‌های ایدئولوژیک _ سیاسی و تشکیلاتی واحد شماره 13 حزبی تأیید و تصویب گردید.

موضوع سوم در اجندای جلسه، انتخاب کمیته مسئول واحد تشکیلاتی شماره 13 حزبی بود. کمیته مسئول بعد از بحث و نظر خواهی به اتفاق آرای رفقای شرکت کننده در جلسه انتخاب گردید. جلسه با شعار های:

پیروز باد حزب کمونیست (مائونیست) افغانستان!

به پیش در راه تدارک و برپایی جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی!

زنده باد کمونیزم!

زنده باد جنبش انقلابی انترناسیونالیستی!

مرگ بر امپریالیزم تجاوزگر و خاننین ملی!

به کار خود پایان داد.

بعد از اختتام جلسه عمومی، کمیته مسئول تعیین شده، منشی خود را با در نظر داشت رای مشورتی رهبری انتخاب نمود.

جلسه عمومی واحد تشکیلاتی شماره 15

قبل از آنکه جلسه عمومی واحد تشکیلاتی شماره 15 برگزار گردد، قطعنامه کنگره وحدت جنبش کمونیستی (مارکسیستی _ لنینیستی _ مائونیستی) افغانستان، پیام‌های کمیته جنبش انقلابی انترناسیونالیستی و حزب کمونیست ایران (مارکسیست _ لنینیست _ مائونیست) به کنگره وحدت جنبش کمونیستی (مارکسیستی _ لنینیستی _ مائونیستی) افغانستان و پیام‌های متقابل کنگره به کمیته جنبش

انقلابی انترناسیونالیستی و حزب کمونیست ایران (مارکسیست_لنینیست_مائوئیست) و همچنان پیام کنگره به حزب کمونیست نیپال (مائوئیست) ، در میان رفقا توزیع گردیده بود .
وقتی جلسه عمومی واحد تشکیلاتی شماره 15 برگزار گردید ، یکبار دیگر قطعنامه کنگره وحدت جنبش کمونیستی (مارکسیستی_لنینیستی_مائوئیستی) افغانستان در جلسه قرائت گردید . رفقای شامل در جلسه با روحیه انقلابی قطعنامه کنگره را مورد تأیید و پشتیبانی همه جانبه قرار دادند .
در همین جلسه ، کمیته مسئول واحد تشکیلاتی شماره 15 به اتفاق آرای رفقای شرکت کننده در جلسه تعیین و انتخاب گردید .

بعد از ختم جلسه عمومی ، کمیته مسئول منتخب ، منشی خود را با در نظر داشت رای مشورتی رهبری حزب ، تعیین نمود .

اندک زمانی بعد از ختم جلسه عمومی واحد تشکیلاتی شماره 15 و تعیین کمیته مسئول این واحد و منشی کمیته مسئول آن ، یک جلسه گسترده این واحد تشکیلاتی ، دعوت گردید . در این جلسه ، ارگان مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان (شعله جاوید) _ شماره ویژه کنگره وحدت جنبش کمونیستی (مارکسیستی_لنینیستی_مائوئیستی) افغانستان _ و اعلامیه اول ماه می حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان ، در میان رفقای شرکت کننده در جلسه توزیع شده و قطعنامه کنگره یکبار دیگر در این جلسه قرائت گردید .

رفقای شرکت کننده در جلسه ، مجدداً قطعنامه کنگره وحدت جنبش کمونیستی (مارکسیستی_لنینیستی_مائوئیستی) افغانستان را مورد تأیید قاطع و همه جانبه قرار داده و با کف زدن های پر شور استقبال نمودند .

در این جلسه ، بحث بیشتر روی مسئولیت های حزبی متمرکز بود . روی وظیفه عمده مبارزاتی کنونی حزب یعنی استحکام ایدئولوژیک _ سیاسی و تشکیلاتی حزب تأکید به عمل آمده و مورد تأیید و تصویب رفقا قرار گرفت . البته رفقای شرکت کننده در جلسه ، روی گسترش حزب نیز صحبت نموده و در جمع بندی نهایی ، استحکام حزبی را بمثابة عامل عمده در گسترش بعدی تشکیلات حزبی ، معین و مشخص کردند و در این زمینه رهنمود های معینی را مورد تصویب قرار دادند .
در آخر جلسه مسائل ایدئولوژیک _ سیاسی عامی نیز مورد جر و بحث قرار گرفت و نتایج معین و مشخصی از این مباحث به عمل آمد .

جلسه عمومی واحد تشکیلاتی شماره 31

جلسه عمومی واحد تشکیلاتی شماره 31 حزبی ، مطابق به روحیه اساسنامه حزب ، بمثابة نخستین جلسه عمومی منطقوی حزبی مربوط به حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان ، مدت زمانی بعد از تدویر

| | | | |
|-----------|----------|------------|---------|
| شماره دوم | دوره سوم | شعله جاوید | صفحه ۱۴ |
|-----------|----------|------------|---------|

پیروزمندانه کنگره وحدت جنبش کمونیستی (مارکسیستی_لنینیستی_مائوئیستی) افغانستان و تامین وحدت این جنبش در حزب کمونیست واحد (حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان) دائر گردید.

در آغاز جلسه، درود های گرم و رفیقانه رهبری حزب به رفقای شرکت کننده در جلسه ابلاغ گردید و ابراز آرزومندی برای پیروزی هرچه بیشتر رفقا و مجموع حزب در اجرای وظایف و مسئولیت های حزبی و انقلابی شان به عمل آمد. رفقای شرکت کننده در جلسه متقابلاً با احساسات زاید الوصف رفیقانه، به تمنیات و آرزوهای رفقای رهبری جواب گفتند.

بعد از آن، ارگان مرکزی حزب (شعله جاوید) شماره ویژه کنگره وحدت جنبش کمونیستی (مارکسیستی_لنینیستی_مائوئیستی) افغانستان و اعلامیه اول ماه می حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، به دسترس رفقای شامل در جلسه قرار داده شد. مباحثات جلسه بطور مشخص روی قطعنامه کنگره وحدت جنبش کمونیستی (مارکسیستی_لنینیستی_مائوئیستی) افغانستان، اعلامیه اول ماه می حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، وظیفه مبارزاتی عمده کنونی حزب و انتخاب کمیته مسئول واحد تشکیلاتی شماره 31، متمرکز بود.

قطعنامه کنگره وحدت جنبش کمونیستی (مارکسیستی_لنینیستی_مائوئیستی) افغانستان، بمثابه نخستین موضوع بحثی، از طرف یکی از رفقای شامل در جلسه قرائت گردید که از طرف رفقا با احساسات انقلابی و کف زدن های ممتد بدرقه گردید. قطعنامه مورد تائید، تصویب و تاکید جلسه قرار گرفت.

دومین موضوعی که در جلسه به بحث گرفته شد، همانا وظیفه مبارزاتی عمده کنونی حزب بود. رفقا روی این موضوع بحث های مثبت و سازنده ای به عمل آورده و موضع رهبری حزب در مورد استحکام ایدیولوژیک_سیاسی و تشکیلاتی حزب بمثابه وظیفه مبارزاتی عمده کوتاه مدت کنونی را مورد تائید و تصویب قرار دادند. همچنان پیشبرد این وظیفه مبارزاتی من حیث زمینه مساعد و سازنده برای گسترش تشکیلاتی حزب مورد تاکید قرار گرفت و در زمینه رهنمود ها و تجاویزی اتخاذ گردید.

اعلامیه اول ماه می حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان نیز قرائت گردید و مورد حمایت و پشتیبانی همه جانبه رفقای شرکت کننده در جلسه قرار گرفت.

جلسه عمومی واحد تشکیلاتی شماره 31 حزبی، بعد از ختم بحث روی وظیفه مبارزاتی عمده کنونی حزب، در مورد انتخاب کمیته مسئول واحد تشکیلاتی، به بحث پرداخت و اعضای کمیته مسئول را در یک فضای رفیقانه و مبتنی بر سانترالیزم دموکراتیک، انتخاب نمود.

جلسه در یک فضای رفیقانه و سرشار از شور و شوق انقلابی پرولتاری به کار خود پایان بخشید.

بعد از ختم جلسه عمومی، منشی کمیته مسئول واحد تشکیلاتی شماره 31، با در نظر داشت رای مشورتی رهبری حزب، توسط کمیته مسئول انتخاب گردید. مدت زمانی بعد از جلسه عمومی واحد تشکیلاتی شماره 31، جلسه گسترده ای از اعضای این واحد تشکیلاتی برگزار گردید. در این جلسه، رفقا علاوه بر بحث مختصری روی مصوبات جلسه عمومی، روی

مسئله تامین و تنظیم هرچه سریعتر روابط تشکیلاتی و تنظیم آن در سطح منطقه به بحث پرداخته و با تاکید هرچه بیشتر بر مصوبات جلسه عمومی، وظایف عاجل و فوری شان را معین و مشخص نمودند و برای پیشبرد جدی این وظایف، رهنمود های معین و مشخصی وضع کردند. جلسه با تمناي پیروزي مبارزاتي رفقا در تمامی عرصه های مبارزاتي به کار خود پایان داد.

جلسه عمومی واحد تشکیلاتی شماره 10

قبل از آنکه جلسه عمومی واحد تشکیلاتی شماره 10 برگزار گردد، اولین شماره ارگان مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان (شعله جاوید) - شماره ویژه کنگره وحدت جنبش کمونیستی (مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی) افغانستان و اعلامیه اول ماه می حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در میان رفقای شامل در واحد تشکیلاتی شماره 10 توزیع گردیده و جرو بحث های معینی در مورد مندرجات این اسناد در هسته های حزبی به پیش رفته بود. جلسه عمومی واحد تشکیلاتی شماره 10 در واقع جلسه جمع بندی عمومی از این جرو بحث های هسته های حزبی بود.

در ابتدای جلسه عمومی واحد تشکیلاتی شماره 10، در مورد اهمیت تاریخی تدویر کنگره وحدت جنبش کمونیستی (مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی) افغانستان و تامین وحدت این جنبش در حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان صحبت به عمل آمد که مورد حمایت و پشتیبانی پر شور و شوق رفقای شرکت کننده در جلسه قرار گرفت. بعد از آن تعدادی از رفقای شرکت کننده در جلسه، مبتنی بر مباحثات قبلی هسته های حزبی به صحبت پرداخته و حمایت و پشتیبانی قاطع شان را از کنگره وحدت جنبش کمونیستی (مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی) افغانستان و قطعنامه این کنگره اعلام داشته و ایجاد حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را به رفقای شرکت کننده در جلسه، کل اعضای حزب بویژه رهبری حزب و جنبش انقلابی انترناسیونالیستی تبریک و تهنیت گفتند. جلسه به اتفاق آراء اعلام نمود که مبارزه در صفوف حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را یک افتخار بزرگ مبارزاتی برای خود دانسته و فعالیت های واحد تشکیلاتی شماره 10 را بر اساس برنامه و اساسنامه حزب و رهنمود های اصولی رهبری حزب به پیش خواهند برد.

رهنمود رهبری حزب در مورد عمده بودن فعالیت های استحکامی ایدیولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی حزب در کوتاه مدت، مورد تأیید و تاکید جلسه قرار گرفت. این موضوع به صراحت و روشنی مورد تصویب قرار گرفت که بدون استحکام ایدیولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی کل حزب، منجمله واحد تشکیلاتی شماره 10، کار جلب و جذب اعضای جدید برای حزب و ارتقای ایدیولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی آنها و همچنان فعالیت های ملی - دموکراتیک، نمی تواند بطور اصولی و شایسته به پیش برود. راز تامین استوار رهبری حزب در این عرصه های مبارزاتی و تمامی عرصه های مبارزاتی دیگر، تامین

استحکام ایدئولوژیک _ سیاسی و تشکیلاتی حزب است . اگر حزب از لحاظ ایدئولوژیک _ سیاسی و تشکیلاتی به خوبی مستحکم و منسجم نباشد ، نه می تواند خود را بطور اصولی گسترش دهد و نه خواهد توانست فعالیت های ملی _ دموکراتیک را بطور شایسته و اصولی رهبری نماید . در این جلسه بطور مشخص روی فعالیت های ملی _ دموکراتیک کل حزب . بطور مشخص واحد تشکیلاتی شماره 10 ، صحبت به عمل آمد و موارد معین و مشخصی نشانی گردید . واحد تشکیلاتی شماره 10 حزبی ، قبل از تدویر کنگره وحدت جنبش کمونیستی (مارکسیستی _ لنینیستی _ مائوئیستی) افغانستان نیز یک نشست عمومی برگزار نموده و علاوه بر تصمیم گیری ها و فیصله های دیگر ، کمیته مسئول واحد تشکیلاتی و منشی کمیته مسئول را انتخاب نموده بود . در جلسه عمومی بعد از تدویر کنگره وحدت جنبش کمونیستی (مارکسیستی _ لنینیستی _ مائوئیستی) افغانستان ، یکبار دیگر ترکیب همان کمیته مسئول انتخاب شده قبلی به شمول منشی آن ، مورد تأیید قرار گرفت . در ختم جلسه رفقای شرکت کننده یکبار دیگر تدویر موفقانه کنگره وحدت جنبش کمونیستی (مارکسیستی _ لنینیستی _ مائوئیستی) افغانستان و ایجاد حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را توأم با احساسات گرم رفیقانه به همدیگر تبریک گفته و محل جلسه را یکایک ترک گفتند .

فیصله ها و رهنمود های جلسات عمومی واحد های تشکیلاتی شماره 13 ، 15 ، 31 و 10 مورد تأیید رهبری حزب قرار گرفته و رسمیت یافته اند . سلسله تدویر جلسات عمومی واحد های تشکیلاتی حزب ادامه دارد و اخبار مربوط به جلسات عمومی سایر واحد های تشکیلاتی حزب ، در شماره و یا شماره های بعدی شعله جاوید انعکاس خواهد یافت .

|||||
|||||

حزب سازان فریبکار و اغواگر

بعد از تجاوز امپریالیست ها به رهبری امپریالیزم امریکا بر افغانستان ، احزاب ، سازمان ها و شوراهای نام نهاد تحت نام های گوناگون ولی با برنامه ها و خط مشی های همانند و مشابه ، همچو قارچ یکی پس از دیگری متجاوز و اشغالگر و رژیم دست نشانده حامد کرزی این شاه شجاع سوم . آنها تجمع خائنین ملی در بن را " مظهر اراده ملت افغانستان " قلمداد می نمایند و تجاوز امپریالیزم امریکا بر دیگری از زمین می رویند . موعظه های همه این به اصطلاح تشکلات سیاسی یکسان است : دفاع از امپریالیست های متجاوز و اشغالگر و رژیم دست نشانده حامد کرزی این شاه شجاع سوم . آنها تجمع خائنین ملی در بن را " مظهر اراده ملت افغانستان " قلمداد می نمایند و تجاوز امپریالیزم امریکا بر افغانستان را " بارقه

امید در چشمان اشکبار ملت " میخوانند و به این ترتیب در صف داوطلبان خدمتگزار به اشغالگران امپریالیست ایستاده اند تا جا و مقامی در کنار خوان یغمای امپریالیستی و ارتجاعی بیابند و به پاره های گوشت و استخوانی دست یابند .

یکی از این به اصطلاح تشکلات سیاسی " حزب همیستگي افغانستان " است که گویا در بیست و هشتم حمل 1383 با انتشار اعلامیه ای موجودیت خود را اعلام نموده است .

درین اعلامیه با شور و شغف فراوان از تجاوز امپریالیست ها به رهبری امپریالیزم امریکا بر افغانستان استقبال گردیده و اتحاد امپریالیست ها در تجاوز به افغانستان , " ائتلاف جهانی ضد تروریسم " نامیده شده است . اعلامیه پاراگراف اول خود را چنین شروع می نماید :

" کشور ما در آستانه بیرون رفت از جنگ های خانمانسوز و وحشیانه اشغالگران , انحصارگران متعصب و تروریست ها قرار گرفته است . مداوای زخم های جانکاه که طی بیش از دو دهه یکی پس از دیگری برین پیکر مجروح وارد آمده اند , نیاز به طبیب حاذقی دارد تا بتواند آنها را مرهم گزاری نموده , التیام بخشد . "

کدام آستانه و کدام بیرون رفت ؟ درست است که اشغالگران سوسیال امپریالیست از این کشور بیرون رفتند , اما اشغالگران امپریالیست امریکایی و متحدین شان از پنجره وارد شدند و کشور هم اکنون در اشغال این متجاوزین قرار دارد . انحصارگران متعصب کیانند ؟ چهره طالبانی اینان دیگر در قدرت نیستند , اما چهره جهادی اینان چطور ؟ این جنگ سالاران که اعلامیه , این همه از آنها می نالد , اگر انحصارگران متعصب نیستند , پس چه هستند ؟ اینها در وضعیت " بیرون رفت " قرار ندارند , بلکه بخش بسیار مهمی از رژیم پوشالی دست نشانده را تشکیل می دهند . موجودیت این " انحصارگران متعصب " و بر سر قدرت بودن آنان هم اکنون نیز برای امپریالیست های اشغالگر حیاتی است , همانگونه که در ابتدای تجاوز بر افغانستان حیاتی بود . بدون موجودیت این " انحصارگران متعصب " و نیروهای تحت فرمان شان , اشغالگران امپریالیست ناگزیر خواهند بود " مخارج " انسانی , مالی و نظامی جنگ تجاوزگرانه شان را در افغانستان حد اقل ده برابر افزایش دهند . آنها حاضر نیستند که اینچنین افزایشی را در " مخارج " جنگی شان متقبل گردند . استفاده آنها از نیروهای تحت فرمان " انحصارگران متعصب " به عنوان پیاده نظام در جنگ ها و به ویژه در اداره امور روزمره محلات و مناطق مختلف کشور و به بیان روشنتر , کنترل توده ها , " بسیار " ارزان " تمام می شود . اینها همسنگران جنگی تابع اشغالگران امپریالیست هستند و امپریالیست ها بخاطر گل روی " حزب سازان " تازه از راه رسیده ای که میخواهند نوکران دیرینه و آزمون دیده آنها را پس بزنند تا خود جای شان را بگیرند , این " همسنگران " مطمئن خود را در وضعیت " بیرون رفت " قرار نمی دهند .

تروریست کیست ؟ در منطق امپریالیست ها و نوکران شان آنکه از زندگی سیر آمده و با بمب کوچک خانه سازی انتحار میکند تا با خود یکجا تتي چند از دشمنان حقیقی و یا فرضی اش را از میان ببرد , تروریست است و سزاوار نکوهش و سرکوب . اما در این منطق تجاوز بر ملل ضعیف و اشغال سرزمین

دیگران، دفاع از خود نامیده میشود و استفاده از مخرب ترین و کشنده ترین سلاح های مدرن علیه انسانها حق مشروع و قانونی زورمندان جهان به حساب می آید. در این منطق که منطق نویسندگان اعلامیه " حزب همبستگی افغانستان " است، بزرگترین تروریست ها، تروریست محسوب نمی گردند و الا کیست که نداند کشور اشغال شده توسط بزرگترین دهشت افکنان جهان یعنی امپریالیزم امریکا و متحدین امپریالیستش نمی تواند در " آستانه بیرون رفت از جنگ های خانمانسوز و وحشیانه ... تروریست ها " قرار داشته باشد.

از قرار معلوم نویسندگان اعلامیه " حزب همبستگی افغانستان " خود هارا همان " طبیبان حاذقی " میدانند که قادر اند زخم های جانکاه کشور بیمار را مرهم گزاری نموده و التیام بخشند. اما این " طبیبان حاذق " بیماری را که به شدت مریض است، در حال " بیرون رفت " از مریضی تشخیص می دهند و به روشنی نشان می دهند که نه مداوا کننده بیمار بلکه دشمن جان آن هستند. در پاراگراف دوم " اعلامیه " چنین می نویسند:

" ائتلاف جهانی ضد تروریسم، که برای زدودن بقایای القاعده و طالبان به سر زمین ما پا گذاشته، جهت تامین صلح و آرامش در کشور و برپایی نظام مردم سالار متاسفانه بر نیروهای تکیه کرده است که تعدادی از آنان لکه های خون در آستین دارند و عامل بربادی وطن بوده اند. "

در شرایطی که افغانستان مورد تجاوز امپریالیستی قرار گرفته است، طرح مطلب به این صورت که: " امپریالیزم برای تامین صلح و آرامش و برپایی نظام مردم سالار به این کشور پا گذاشته " خیانت به کشور و مردمان کشور بوده و جز امضای سند خیانت ملی چیز دیگری محسوب نمی گردد. با چه شور و شعفی تجاوز امپریالیست ها به افغانستان را " پاکزاشتن ائتلاف ضد تروریستی به کشور " اعلام می کنند و با چه لحن خاینانه ای اشغال کشور را " تامین صلح و آرامش و برقراری نظام مردم سالار در کشور " میخوانند. گلیله نویسندگان اعلامیه از این فرشتگان نجات " بخاطر " تکیه آنها بر نیروهای که تعدادی از آنان لکه های خون در آستین دارند و عامل بربادی وطن بوده اند " در واقع اعلام آشکار این موضوع است که آنها حاضر اند جای دامن آلودگان متذکره در رژیم دست نشانده را اشغال نموده و در جهت تامین صلح و آرامش مورد خواست امپریالیست های اشغالگر در افغانستان و برقراری دم و دستگاه خدمتگزار آنها از " صمیم قلب " کوشش و تلاش نمایند. آنها چشم به الطاف امپریالیست های اشغالگر بسته اند تا بیشتر از پیش چانس خدمت در بارگاه آنان داشته باشند. واقعیت این است که این گلیله بیشتر به يك " رنجش دوستانه " می ماند تا به يك نارضایتی عمیق. چه کسی نمی داند که هم اکنون تعدادی از سردمداران " حزب همبستگی افغانستان " در پهلوی " دامن آلودگان عامل بربادی وطن " بر " تخت پر خون " رژیم دست نشانده تکیه زده اند و در جرگه خائنین ملی جا و مقامی دارند.

آیا فقط عده ای از سردمداران رژیم دست نشانده لکه های خون بر دامن دارند و عامل بربادی وطن بوده اند و اکثریت این باند و طنفروش و خاین، به شمول کسانی از چهره های اصلی " حزب همبستگی افغانستان

" پاك دامن و خدمتگزار وطن و مردمان وطن اند ؟ چه معياري براي پاك دامي و خدمتگزاري به وطن و مردمان وطن وجود دارد ؟ چاكر پيشگي براي اشغالگران ؟ وطنفروشي و خيانت ملي ؟ پس از تجاوز امپرياليست ها به افغانستان و اشغال اين کشور توسط آنها چه تعدادي از ساكنين اين کشور به شمول کودکان ، زنان و پيرمردان توسط مهاجمين امپرياليست به خاک و خون كشيده شده اند ؟ آيا لکه هاي خون ناحق اين قربانيان صرفا روي دامن چند سردمدار جنائتکار رژيم دست نشانده پاشيده شده است و ساير سردمداران رژيم از اين دامن آلودگي بري و منزه اند ؟ اينك دو قسمت ديگر اعلاميه يعني دو قسمت آخري آنرا مورد ارزيابي قرار مي دهيم

" تشكلي كه اينك بر عرصه سياسي کشور اعلام موجوديت مي نمايد با آگاهي كامل از دشواري هايي كه در راه پياده نمودن ارزش هاي دموكراسي پيش رو دارد بر آنست كه : با قاطعيت از استقلال ، آزادي ، تماميت ارضي و يكپارچگي کشور دفاع نموده ، هرگونه تبعيض مليتي ، جنسي ، قومي ، ديني ، مذهبي ، لساني و منطقوي را مردود مي شمارد ، خواستار محاسبه دارايي هاي باد آورده تفنگ سالاران و متحدين شان ، خواستار محاكمه جنائتكاران جنگي و خاينان ملي و طرفدار اعلاميه حقوق بشر و منشور سازمان ملل بوده ، در طي ايجاد زمينه براي رشد فرهنگ بالنده ملي و پيش رفته و تامين واقعي حقوق زن مي باشد . اين تشکل خواستار پرچيده شدن كامل تروريزم ، مواد مخدر و فقر و بيسوادي بوده ، خود را مكلف به پيروي از احكام قانون اساسي کشور ، عليرغم كمبود هاي معين آن ، ميداند و قاطعانه مصمم است براي تحقق اهداف خود كه در واقع بيان گفته مردم ستمديده و محروم از همه چيز ماست ، بطور خستگي ناپذير مبارزه نموده ، براي رشد اقتصادي ، اجتماعي و فرهنگي کشور سهم شايسته اي ايفا نمايد .

نبل به اين اهداف و آرمانها ميسر نيست ، مگر با مبارزه قاطع ، پيگير و متحدانه تمامي نيروهاي طرفدار دموكراسي بر ضد تروريزم و جنگ سالاري اي كه به علت مدارا و سازش دولت يكي مناطق شرقي و جنوبي کشور را به مركز آشوب مبدل ساخته است و ديگري در شمال و غرب کشور زور گويي و بحران آفريني نموده ، از کشور ما محشر سوزاني ساخته اند . "

اين است فريبكاري و اغواگري !! حزبي كه مقدم تجاوزكاران و اشغالگران امپرياليست را گرامي مي دارد و در واقع با تكيه بر آنها ميخواهد جاي بيشتري در حاكميت پوشالي براي خود باز نمايد ، ادعا دارد كه : " با قاطعيت از استقلال ، آزادي و تماميت ارضي کشور دفاع مي نمايد . اين شعار آنچنان فريبكارانه و اغواگرانه است كه فقط و فقط يك چيز را نشان مي دهد و آن ديده درايي و بي آزرمي مافوق تصور نويسندگان " اعلاميه " است . کشور مورد تجاوز امپرياليستي قرار گرفته و به يك مستعمره تحت اشغال مبدل گرديده است و رژيم دست نشانده متشکل از خاينين ملي در آن توسط اشغالگران پرورنده مي شود . چه استقلال ، آزادي و تماميت ارضي اي مي تواند وجود داشته باشد ؟ دفاع از استقلال ، آزادي و تماميت ارضي کشور فقط و فقط يك راه دارد و آن رزميدن عليه اشغالگران و خائنين ملي است تا اشغالگران

افغانستان اخراج گردیده و خائنین ملی سرنگون شوند. تا زمانی که امپریالیست ها در افغانستان حضور نظامی داشته و مقدرات کشور و مردمان کشور را در دست داشته باشند، استقلال، آزادی و تمامیت ارضی کشور پامال است. بدون مبارزه علیه اشغالگران امپریالیست و دست نشانندگان شان، ادعای دفاع از استقلال، آزادی و تمامیت ارضی کشور، يك ادعای عوامفریبانه است. اعلامیه نویسان ادعا دارند که هرگونه تبعیض در میان افغانستانی ها را مردود می شمارند. طرح این ادعا بسیار آسان است، بخصوص که فریبکارانه و اغواگرانه باشد و صرفاً برای عوامفریبی به میان کشیده شود. البته اعلامیه نویسان شاید در يك مورد می خواهند و سخت تمنا دارند که ادعای مردود شمردن تبعیض میان افغانستانی ها را جامه عمل ببوشانند و آن عدم تبعیض در اسارت و بردگی و انقیاد ملی است. آنها می خواهند و سخت تمنا دارند که بدون هیچگونه تبعیض و امتیازی، روحیه استقلال طلبی و آزادیخواهی تمامی افغانستانی ها بمیرد و همه نوکر صفت و برده منش بار آیند. اما این آرزو همانگونه که در طول تاریخ این کشور بر آورده نشده باقی مانده است. این بار نیز بر آورده نخواهد شد.

به نظر نمی رسد که طرح محاسبه دارایی های باد آورده جنگ سالاران و محاکمه جنایتکاران جنگی و خائنین ملی، غیر از بازار گرمی تبلیغاتی منظور دیگری داشته باشد. وقتی ارباب نمی خواهد نوکران ثروتمند شده را به محاسبه بکشاند و آنها را بخاطر جنایات دستوری و یا خود سرانه شان محاکمه نماید، نوکران کوچکتر و ناتوان تر را مجالی برای این کار ها باقی نمی ماند. اما طرح محاکمه خائنین ملی از سوی اعلامیه نویسان به صورت فوق العاده ای جالب است. آیا تا حال دیده شده است که مجرمی خود را به محاکمه بکشاند؟

" حزب همبستگی افغانستان " طرفدار اعلامیه حقوق بشر و منشور سازمان ملل است. مبارک باشد!! اما این حزب هیچگاهی این دغدغه را به خود راه نمی دهد که " پا گذاشتن ائتلاف بین المللی ضد تروریسم به افغانستان " را با معیار های ملی، مردمی و انقلابی که هیچ، حتی با معیار های رسمی همین " اعلامیه " و همین " منشور " محبوبش بسنجد و حکم بر بطلان و نادرستی اش صادر نماید. نه، این کار مجاز نیست، چون ارباب نمی خواهد و خواست ارباب برای نوکران همه چیز است، بالاتر از هر اعلامیه و منشوری.

در مورد سایر ادعاهای اعلامیه نویسان به نظر نمی رسد ضرورتی به مکث بیشتر وجود داشته باشد. آنها قانون اساسی پوشالی و سرهمبندی شده امپریالیستی _ ارتجاعی را دارند و همه خواست های شان را در چوکات آن و با احترام به آن پیش می برند.

" اعلامیه " راه نیل به اهدافش را در " مبارزه قاطع، پیگیر و متحدانه تمامی نیروهای طرفدار دموکراسی بر ضد تروریسم و جنگ سالاری " می داند و از مدارا و سازش دولت با تروریست ها و جنگ سالاران می نالد.

دموکراسی خواهی شعار کاذبی است که در سرلوحه کارزار تجاوزگرانه و اشغالگرانه کنونی امپریالیست های امریکایی قرار دارد تا در زیر پوشش آن استقلال و آزادی خلق ها و ملل تحت ستم را بیشتر از پیش پامال نموده و سلطه جهانی شان را تحکیم نمایند. " حزب همبستگی افغانستان " با شوق و علاقه نقش پیاده

سرباز این تخته شطرنج را پذیرا گردیده و سایرین را نیز در پیوستن به این " بازی بزرگ " فرا می خواند . اما در این میان گیله و شکایت از " دولت " بیهوده است . " دولت " را کیان اداره می نمایند ؟ در واقع همان " تروریست ها " (طالبان) و " جنگ سالاران " (جهادی ها) . رئیس " دولت " کیست ؟ وزرای " دولت " کیانند ؟ فرماندهان عالیرتبه نظامی و امنیتی " دولتی " را چه کسانی تشکیل می دهند ؟ والیان و ولسوالان کی ها هستند ؟ واقعیت این است که همین ها تحت سرپرستی و رهبری اربابان اشغالگر امپریالیست شان سراسر افغانستان را به جهنم سوزانی مبدل نموده اند . آرمان ها و اهداف والای مردمان افغانستان جز با سرنگونی این خائنین ملی و مقدم بر آن اخراج اربابان امپریالیست شان از کشور ممکن و میسر نمی گردد .

|||||
 |||

اختطاف گسترده اطفال

ارمغان امنیتی اشغالگران و دست نشانندگان شان

امپریالیست های تجاوزگر به سرکردگی امپریالیست های یانکی و رژیم دست نشانده ادعا دارند که یکی از دستاورد های لشکر کشی شان بر افغانستان ، تامین امنیت در این کشور می باشد . در حالیکه واقعیت این است که این تجاوز و اشغالگری نه تنها عامل کشتار ددمنشانه توده های ستمدیده و اطفال معصوم شان می باشد ، بلکه زمینه های مساعدی برای باند های مافیایی به وجود آورده است و آنها می توانند با استفاده از این زمینه های مساعد ، دست به هر عمل جنایتکارانه ای بزنند . اختطاف و قاچاق اطفال معصوم که تقریباً سابقه ای در افغانستان نداشت ، ارمغان امپریالیست های تجاوزگر و رژیم دست نشانده کرزی می باشد . این جنایت وحشتناک که روح و قلب انسان را داغدار می سازد ، یکی از ضمایم بلا فصل کارکرد خون آشامانه سرمایه مالی است .

عاملین این جنایت باند هایی هستند که از يك طرف توسط نیروهای مرتجع خون آشام مربوط به رژیم دست نشانده اسلامی ، مسلح ، حمایت و پشتیبانی می شوند و از طرف دیگر با باند های مافیایی بین المللی در رابطه تنگاتنگ قرار دارند .

هدف از این جنایت بعنی اختطاف و قاچاق جگر گوشه های مادران و پدران ستمدیده ، نه تنها تامین سود سرمایه های کثیف است ، بلکه ایجاد رعب و وحشت نیز می باشد تا پدران و مادران را وادار نمایند که فقط در محدوده حفاظت اطفال معصوم شان بیندیشند و سایر اجحافات و جنایات امپریالیست های اشغالگر و رژیم دست نشانده و بطور اخص مستعمره بودن کشور را نا دیده انگارند .

اطفالی که توسط این باند های جنایت پیشه اختطاف میگردند یا توسط داکتران خاین سلاخی شده و اعضای بدن شان به فروش می رسد و یا بطور اسیرانی که وحشت از روح و تن شان می بارد ، به باند های جنایتکار و رای مرز در کشور های اسلامی پاکستان ، امارات متحده عربی و عربستان سعودی تحویل داده میشوند .

اعضای بدن این موجودات معصوم و قربانی جنایت سرمایه ، توسط تاسیساتی که عمدتاً به وسیله سرمایه های همین باند های مافیایی ایجاد گردیده از طریق شبکه های متعدد با پول هنگفت بالایی شفاخانه ها به فروش می رسد تا بر سرمایه های این باند های جنایتکار افزایش به عمل آید . اما آنانیکه زنده می مانند بالوسيله همین باند های جنایتکار بالایی مالکان سرمایه و فابریک چون برده ها به فروش میرسند و تا آخرین لحظات زندگی شیرۀ جان شان مکیده میشود و بر سرمایه ای که حاصل خون و ریم است افزوده می گردد . عده ای از این ها ، بخصوص دختران ، بالایی فاحشه خانه های کشور های خلیج بفروش میرسند و بصورت بسیار فجیع مورد معامله گری قرار گرفته و به منبعی برای افزایش سرمایه خون آشام تبدیل میگردند .

از زمان شروع فعالیت های این باند های جنایتکار تا کنون در چندین ولایت افغانستان ، عده زیادی از اعضای این باند ها توسط توده ها دستگیر گردیده اند . اما رژیم دست نشانده اسلامی تا حال در این زمینه هیچ اقدامی به عمل نیاورده و هیچ يك از اعضای دستگیر شده این باند ها را به محاکمه نكشاندۀ است . قوای امنیتی رژیم دست نشانده برای دستگیری این باند ها هیچگونه اقدامی به عمل نمی آورند و آنهایی را که توسط توده ها دستگیر می گردند ، در ظرف دو سه روز رها می سازند . چنانچه ندرتا این افراد دستگیر شده به قضا کشانده شوند ، بیگناه تشخیص داده شده و آزاد می گردند .

در واقع تمام دم و دستگاه رژیم دست نشانده ، از باند های مسلح گرفته تا قضات و قاضی القضاات با باند های مافیایی بین المللی در ارتباط اند و در در آمد های آنها بهره ای دارند . در واقع مسئول اصلی جنایات این باند ها ، امپریالیست های اشغالگر و دست نشانندگان شان می باشد . حوادث ذیل منحیث مشت نمونه خروار این امر را بخوبی روشن می سازد : چند ماه قبل در شهر مزار يك دختر در راه بازگشت از مکتب توسط آدم ربایان مربوط به باند جنرال عطا اختطاف می گردد . برادر دختر تمامی " مسئولان " ولایت را در جریان می گزارد ، ولی نه تنها سودی نمی بخشد ، بلکه خودش تهدید به مرگ می گردد . وی ناگزیر به کابل فرار می کند و ارگان های " عالی " امنیتی رژیم دست نشانده را در جریان قرار می دهد .

اما تمامی داد و فریاد های برادری که خواهر مظلومش طعمه هوس های شهوانی باند جنایتکار جهادی گردیده بود ، هرگز شنیده نشد . رژیم مزدور نه در مورد مجرمین جنایت پیشه اقدامی به عمل آورد و نه سراغ دختر قربانی شده را گرفت و این دختر ربوده شده هرگز به خانه برنگشت . چندی قبل در هرات خواهر زاده شخصی بنام صوفی عبدالله که تقریباً چهارده سال داشت ، توسط گروهی از جنایتکاران اختطاف گردید . اختطاف کنندگان از مامای دختر پول هنگفتی در بدل آزادی خواهر زاده

اش مطالبه نمودند . مقامات امنیتی هرات هیچگونه تلاشی برای یافتن دختر و دستگیری جنایتکاران به عمل نیاورد . اما صوفی عبدالله خودش تلاش نموده و به همکاری عده ای از دوستانش اختطاف کننده اصلی را دستگیر نموده و به قومندانی امنیه ولایت هرات تسلیم نمود . فرد دستگیر شده به جرمش اعتراف کرد ، اما گفت که دختر را رها کرده است . پولیس ولایت هرات بجای تعقیب دوسیه ، صوفی عبدالله را زیر فشار قرار داد که از تعقیب جانی صرفنظر نماید . صوفی عبدالله ناگزیر شد که چاره دیگری بسنجد . وی اختطاف کننده و فامیلش را تهدید به انتقامگیری نمود . فردای همان روز دختر ربوده شده به یکی از ماموریت های پولیس تحویل داده شد و پولیس او را به مامایش تسلیم نموده و دوسیه جرمی جنایتکار را بسته نمود بدون اینکه هیچگونه محاکمه و جزایی در کار باشد . در همان روز طفل معصوم دیگری از همسایه های صوفی عبدالله اختطاف گردید که تا هم اکنون نه از طفل ربوده شده خبری هست و نه هم از مجرم

چندی قبل سرکرده يك گروه جنایتکار به جرم اختطاف در هرات دستگیر شده و به روی صفحه تلویزیون به نمایش گذاشته شد . با وجودی که این شخص اسناد جعلی به منظور اختفای هویت و شخصیت اصلی اش را با خود داشت ، در نهایت معلوم شد که وی ملا امام مسجد " باغ نظرگاه " است . البته اقدام به اینگونه نمایشات توسط ارگان های امنیتی ولایت هرات هرگز به منظور مجازات جنایتکاران صورت نمی گیرد ، بلکه بیشتر بخاطر فریب و تحمیق توده ها به عمل می آید . تا حال چندین بار مجرمین و جنایتکاران به روی صفحه تلویزیون به نمایش گذاشته شده اند ، ولی هیچگاهی محکوم به مجازات نشده اند و یا حد اقل دوسیه های شان از طرف مقامات امنیتی و قضایی رژیم دست نشانده تعقیب نگردیده است .

جنايات دو و نیم ساله امپریالیست های اشغالگر و رژیم دست نشانده در افغانستان ، کوتاه بینی و سفاهت سیاسی کسانی را مجدداً به اثبات رساند که فکر میکردند که امپریالیزم بودا صفت شده و ساطور قصابی اش را بر زمین نهاده است . امپریالیست ها هر جایی که پا بگذارند انقیاد و بردگی را به همراه می آورند نه آزادی و امنیت و دموکراسی را .

وظیفه هر فرد انقلابی ، ملی و دموکرات است که برای طرد تجاوز بکوشد و امپریالیست های اشغالگر و رژیم دست نشانده را به مثابه عاملین اصلی تمامی جرایم و جنایات ، بی خانمانی ، فقر و فاقه و بی امنیتی نزد توده ها افشا نمایند . آنها وظیفه دارند توده های زحمتکش را آگاهی دهند که بدون سازماندهی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی رهایی از یوغ امپریالیست های اشغالگر و حاکمیت دست نشانده خائنین ملی ممکن و میسر نمیگردد . فقط با دسترسی به این هدف سترگ یعنی طرد اشغالگران امپریالیست ، سرنگونی مرتجعین و ایجاد جامعه نوین است که امنیت واقعی برای توده ها فراهم میگردد .

مرگ بر انتخابات امپریالیستی _ ارتجاعي

" ... حاکمیت دست نشانده به هر شکل و شمایلی که در آید، متشکل از خابینین ملي خادم و خدمتگزار متجاوزین و اشغالگران امپریالیست است. این حاکمیت از لحاظ طبقاتي بخش عمده فیودال ها و کمپرادوران را نمایندگی میکند. گردانندگان این حاکمیت عناصر جنایتکار، رهن و چپاولگری هستند که در ویرانی های کنونی کشور و در بدري مردمان آن، بصورت مستقیم و یا غیر مستقیم، نقش های مهمی بازی کرده اند. ترکیب اساسی حاکمیت پوشالی، چه توسط خابینین ملي در بن به وجود آید، چه توسط لویه جرگه های " اضطراری " و " یا " اساسی " و سرهمبندی به اصطلاح قانون اساسی و چه توسط انتخابات نمایشی ریاست جمهوری و پارلمانی توسط اشغالگران امپریالیست، دست نخورده باقی می ماند و دچار تحول ماهوی و با حتی تحولات جدی غیر ماهوی نمی تواند شود.

خیانت ملي و نگهبانی از استثمار طبقاتي فیودالی و بورژواکمپرادوری در ذات و سرشت این حاکمیت دست نشانده، که سرنوشت آنرا از ابتدا تا انتها رقم می زند، ریشه دارد. شوونیزم و ستمگری ملي و مرد سالاری فیودال کمپرادوری، خصلت های برجسته این حاکمیت ارتجاعي ستمگر را تشکیل می دهد. هویت ارتجاعي مذهبی، یکی از تبارزات مهم ماهیت ضد دموکراتیک این حاکمیت استبدادی را می سازد. " (برنامه حزب کمونیست (مائونیست) افغانستان _ فصل سیمای کنونی افغانستان)

" حزب کمونیست (مائونیست) افغانستان نمی تواند مبارزه در راه بدست آوردن استفاده از " مزایای " پارلمانتاریزم و سایر اشکال انتخابات امپریالیستی _ ارتجاعي را مدنظر قرار دهد، زیرا در جامعه مستعمره _ نیمه فیودال افغانستان نه تا حال سیستم بورژوادموکراتیک به وجود آمده است و نه در آینده به وجود خواهد آمد. حتی به فرض به وجود آمدن چنین سیستمی، حزب کمونیست (مائونیست) می باید انتخابات پارلمانی و سایر اشکال انتخابات امپریالیستی _ ارتجاعي را قویا، هم از لحاظ استراتژیک. هم از لحاظ تاکتیکی، تحریم نماید، زیرا که فقط و فقط همچون پرده نازکی چهره کریه استبداد امپریالیستی و ارتجاعي حاکم بر جامعه را خواهد پوشاند و نظام سر و دم بریده ای بیش نخواهد بود. " (برنامه حزب کمونیست (مائونیست) افغانستان _ فصل جنگ مقاومت ملي مردمی و انقلابی (شکل مشخص کنونی جنگ خلق))

با توجه به حقایق مسلم و روشن فوق، حزب کمونیست (مائونیست) افغانستان، تحریم کامل نمایش مضحکه آمیز، فرمایشی و عوام فریبانه امپریالیستی _ ارتجاعي به اصطلاح انتخابات ریاست جمهوری رژیم دست نشانده را اعلام می نماید. ما از تمامی نیروها و شخصیت های انقلابی، ملي و دموکرات و توده های پیشرو کشور می خواهیم که فعالانه به کارزار تحریم این انتخابات امپریالیستی _ ارتجاعي بپیوندند.